

غزل شماره ۴۸۴

تو مگر بر لب آبی به هوس بشینی

ورنه هر قتنه که بینی همه از خود بینی

به خدایی که تویی بنده بکنزیده او

که بر این چاکر دیرینه کسی ننگزینی

گر امانت به سلامت ببرم باکی نیست

بی دلی سهل بود گر نبود بی دینی

ادب و شرم تو را خسرو مه رویان کرد
آفرین بر تو که شایسته صد چنینی

عجب از لطف تو ای گل که نشستی با خار
ظاهر مصلحت وقت در آن می بینی

صبر بر جور رقیبت چه کنم گر نکنم
عاشقان را نبود چاره به جز مسکینی

باد صبحی به هوایت ز گلستان برخاست
که تو خوشتر ز گل و تازه تر از نسربنی

شیشه بازی سرشکم نگری از چپ و راست
گر بر این منظرینش نفسی بشینی

سخنی بی غرض از بنده مخلص بشو
ای که منظور بزرگان تحقیقت بینی

نازینی چو تو پاکیزه دل و پاک نهاد
بهر آن است که با مردم بد نشینی

سیل این اشک روان صبر و دل حافظ برد
بلغ الطاقه یا مقله عینی بینی

توبین نازکی و سرکشی ای شمع چگل

لایق بندگی خواجه جلال الدینی

تفسیر فال

اگر کارهایتان را بر اساس هوی و هوس و تمایلات زودگذر قرار دهید، نتیجه‌ای جز آشوب و فتنه در پی نخواهد داشت. یادآور می‌شوم که مسئولیت‌ها و وظایفی که بر عهده شماست، به نوعی امانتی است که باید با دقت و احترام آن را به صاحبش بازگردانید. شما از نظر اخلاقی و انسانی شایسته‌تر از آن هستید که بخواهید با افرادی دارای رفتارهای پست یا ناپسند معاشرت کنید. در حال حاضر، تنها گزینه‌ای که پیش روی شما قرار دارد، صبر در برابر رقیب است؛ زیرا صبر نه تنها نشان‌دهنده قدرت روحی شماست بلکه موجب می‌شود تا در نهایت به نتایج مثبتی دست یابید. با توجه به اینکه شما انسانی پاکدل و سرشار از نیک‌خواهی هستید، واقعاً جای تأسف است اگر بخواهید به سرکشی یا رفتارهای غیرمناسب روی آورید. این ویژگی‌های مثبت شما باید همواره در مسیر درست هدایت شوند تا بتوانید زندگی پربارتری را تجربه کنید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)